نظری بر پیمان منشور انرژی

صرافی، علی

به منظور بررسی اجمالی«پیمان منشور انرژی»،لازم است تا قبلا اندیشه‏های اصلی و عوامل ایجاد آن مورد اشاره قرار گرفته و ضمن بیان‏ ضرورت‏های اقتصادی و سیاسی از نظر اعضای اولیه و اهداف آنها،به طور خلاصه به شرح اصول مورد توافق کشورهای عضو پیمان و شرایط و مقرارت عمدهء حاکم بر روابط میان آنها پرداخته شود.«پیمان منشور انرژی»دارای یک مقدمه و 8 فصل،شامل 50 ماده و 14 ضمیمه‏ می‏باشد که از نظر دقت و جامعیت در بخش انرژی حائز ارزش حقوقی بالایی است.در این نوشتار تحلیل این پیمان و بررسی کامل مقرارت‏ آن مورد نظر نیست،بلکه با اشاره به تاریخچهء آن و بعضی تحولات عمده در بخش انرژی که اجتماع کشورهای زیادی را برای همکاری فراهم‏ نموده است،اصول مورد توافق اعضا و خلاصهء مقرارت و ضوابط عمدهء حاکم بر روابط آنها و شرایط مهم معاهدهء مزبور مورد بحث قرار می‏گیرد.

تاریخچه

در سال 1990،موضوع همکاری بین المللی در بخش انرژی مورد توجه بعضی کشورهای اروپایی‏ قرار گرفت و از جامعهء اروپا خواسته شد تا بررسی‏های لازم را در این خصوص به عمل آورد.از سال 1991،به دعوت جامعهء اروپا،کشورهایی از اروپای شرقی و غربی،جمهوریهای شوروی سابق و اعضای غیراروپایی سازمان همکاری‏های اقتصادی‏ و توسعه در کنفرانسی در بروکسل شرکت کردند و در 17 دسامبر همان سال بیانه‏ای با امضای 53 کشور به‏ شکل منشور به تصویب رساندند.در این منشور که‏ «منشور انرژی اروپا»نامیده شد،توافق گردید که در جهت توسعهء همکاری میان شرق و غرب در بخش‏ انرژی و ایجاد اصلاحات اساسی در کشورهای‏ اروپای مرکزی و شرقی و کشورهای تازه استقلال‏ یافته در مسیر ترانزیت در تجارت و سرمایه‏گذاری‏ براساس موازین و تضمین‏های حقوقی مطمئن، موافقت‏نامه‏ای تهیه نموده و با پروتکل‏هیا مربوط به‏ امضای شرکت‏کنندگان در کنفرانس برسد.

مذاکرات در این زمینه تا سال 1994 ادامه یافت‏ و سرانجام در همین سال متن موافقت‏نامه که«پیمان‏ منشور انرژی»نامیده شد،تصویب و برای امضا و الحاق آماده گردید.به این ترتیب منشور انرژی اروپا در قالب یک پیمان،شکل قانونی و الزامی به خود گرفت.معاهدهء مزبور از تاریخ 17 دسامبر 1994 تا 16 ژوئن 1995 برای قبول و امضای کشورهایی که‏ بیانیهء 1991 منشور انرژی اروپا را پذیرفته بودند، مفتوح بود که به امضای 49 کشور رسید.سایر کشورهای عضو منشور مذکور نیز می‏توانند در صورت تمایل به این پیمان بپیوندند.کنفرانس با وظایف و اختیارات مهمی که براساس معاهده به آن‏ تفویض گردید،به عنوان یک سازمان بین المللی و مرجع تصمیم‏گیری‏های مهم در موضوع انرژی شکل‏ گرفت.دبیرخانهء آن در 1996 در بروکسل تشکیل شد و پیمان مزبور در 1998 به اجرا درآمد در 1998، اصلاحیهء مقرارت تجاری معاهده که جایگزین‏ مقرارت قدیم گات محسوب می‏شد،توسط کنفرانس‏ به تصویب رسید.کنفرانس در اجلاس سالانهء خود در 7 دسامبر 1999،برای ایجاد رژیم واحد ترانزیت‏ همه‏جانبه با تأکید بر ضرورت تضمین‏های قانونی‏ بین المللی،در این‏باره تدوین موافقت‏نامه‏ای را تحت‏ عنوان«پروتکل ترانزیت»به تصویب رساند.این‏ اجلاس،تکمیل مقرارت پیمان را در رابطه با تجارت‏ و سرمایه‏گذاری در انرژی که بتواند جایگزین رژیم‏ (\*)-وکیل پایه به یک دادگستری و مشاور حقوقی و دارای تخصص در حقوق بین الملل.

تجارت سرمایه‏گذاری سازمان تجارت جهانی بشود، ضرورت دانست.هم‏چنین اجلاس مذکور با تأکید بر اینکه دامنهء مشمول معاهدهء منشور انرژی برای‏ کشورهای که تمایل دارند به نحوی در آن نقش داشته‏ باشند گسترده خواهد بود،راه را برای توسعهء آن با عضویت کشورهای دیگر هموار نمود.

اساس تفکر اعضای پیمان و اهداف آنها

نیاز روزافزون کشورهای صنعتی به انرژی و ضرورت توسعهء منابع مطمئن برای تأمین انرژی‏ کافی،نیاز تولیدکنندگان انرژی به توسعهء امکانات‏ برای دستیابی بهتر به بازار تمایل دنیای آزاد مصرف‏ کننده به انرژی ارزان و نیز رقابت جهانی در تأمین‏ انرژی با کنتری هزینهء ممکن،اساس تفکر اعضای‏ پیمان را تشکیل می‏دهد.برای این مبنا،اعضای پیمان، توسعهء همکاریهای بلندمدت را در بخش انرژی‏ براساس اقتصاد آزاد و حفظ منابع متقابل به عنوان‏ اهداف کلی خود اعلام نموده و در مقرارت پیمان‏ بازار رقابت آزاد،شرایط مناسب تجارت و سرمایه‏گذاری را برای کشورهای تولیدکننده و مصرف‏کننده و سرمایه‏گذاران و نیز برای خدمات‏ ترانزیت پیش‏بینی نمودند.

در مورد ترانزیت،تحولات جدید سیاسی به‏ خصوص پیدایش کشورهای جدید دارای منابع عمدهء انرژی و قرار گرفتن در مسیر انتقال آن به کشورهای‏ مصرف‏کننده،طی مسافت‏های طولانی‏تر و عبور از مرزهای بیشتر به علت افزایش تعداد کشورهای‏ ترانزیتی مستقل و نیز هزینه‏های سنگین و سرمایه‏گذاری‏های بزرگ و خطرات موجود، اصلاحاتی را در ساختار روابط بین الملل شرق و غرب در ترانزیت انرژی به‏ویژه نفت و گاز ایجاب‏ می‏نمود و لزوم ثبات کشورهای ذی‏ربط در جهت‏ تضمین تأمین انرژی لازم و انتقال مطمئن آن به‏ کشورهای مصرف‏کننده امری حیاتی تلقی گردید.

در گذشته،معمولا ترانزیت تحت قراردادهای‏ تجاری و براساس موافقتنامه‏های یا کنوانسیون‏ها یا بر مبنای اصول و موازین حقوق بین الملل انجام‏ می‏شد،اما اجرای این‏گونه قراردادها خالی از اشکال‏ نبود و گاه با موانعی مواجه شده و موجب قطع‏ جریان نفت یا گاز می‏گردید.

در حال حاضر هنوز مواردی وجود دارد که حتی‏ برقراری ترانزیت با وجود همهء اهمیت آن بسیار دشوار صورت می‏پذیرد،که نمونهء آن،مسئله انتقال‏ نفت و گاز از منطقهء دریای خزر می‏باشد.آمار گذشته‏ نشان می‏دهد که قراردادهای بین المللی موجود چون‏ کنوانسیون 1921 بارسلون دربارهء آزادی ترانزیت و مادهء 5 پیمان گات در این خصوص به دلیل عدم اجرا یا نواقص موجود در آنها نتوانسته است موانع را برطرف نموده و پاسخگوی نیازها باشد.لذا مواد پیمان منشور انرژی در مورد ترانزیت با پیوندی که با سایر مقرارت این پیمان دارد،راه را برای اصلاح و توسعه و همکاری در این زمینه همواره نموده است.

تجارت و ترانزیت

هدف پیمان منشور انرژی در تجارت این است‏ که اعضا براساس مقرارت و شرایط تجاری مناسب به‏ بازار جهانی دست یافته و بازار آزاد رقابتی را برای‏ مواد و فرآورده‏های انرژی توسعه دهند.مبنای پیمان‏ در تجارت،ضوابط و مقرارت گات 1994 و اسناد مربوط به آن می‏باشد.این ترتیب برای بیشتر ناظم‏های اقتصاد انتقالی که عضو سازمان تجارت‏ جهانی نیستند،ولی مایل به مشارکت در اقتصاد و بازار جهانی از طریق مؤسسسات بین المللی هستند، عملا از اهمیت بسیاری برخوردار است.البته در مورد کشورهایی که عضو سازمان تجارت جهانی‏ نیستند،استثنائاتی در حاکمیت بعضی مقرارت گات‏ نسبت به آنها وجود دارد،از جمله مقرارت خاص در جهت منافع کشورهای در حال توسعه و نیز مقرارت‏ لازم الاجرای آن در مورد نظام عوارض گمرکی.در این‏ زمینه،ضابطهء«نهایت کوشش»در خودداری از افزایش عوارض گمرکی،بیش از آنچه هنگام امضای‏ پیمان یا الحاق آن توسط هریک از اعضای اعلام‏ گردیده،مقرر شده است.باوجوداین،به طور کلی‏ پیمان مزبور مانع از اجرای مقرارت گات نسبت به‏ اعضایی که عضویت گات را نیز دارند،نخواهد بود. اما در خصوص سرمایه‏گذاری تجاری،این پیمان‏ اعضا را ملزم می‏کند که اقداماتی مغایر با شرایط گات‏ در مواد 3 و 11 به عمل نیاورد.

همان‏گونه که اشاره شد،دستیابی به سرمایه و اعتبار از دیگر اهداف پیمان در تجارت انرژی است. لذا،با در نظر گرفتن اهمیت بازارهای آزاد سرمایه در تأمین منابع مالی و سرمایه‏گذاری در فعالیتهای‏ اقتصادی در بخش انرژی در کشورهای عضو،به‏ ویژه کشورهایی که دارای اقتصاد ترانزیت هستند، این پیمان کشورهای عضو را مکلف نموده است تا حتی الامکان شرایط لازم را برای شرکت‏ها و اتباع‏ کشورهای دیگر عوض در جهت دستیابی به بازار سرمایه و اعتبار موجود در آن کشور برای تأمین منابع‏ مالی و سرمایه‏گذاری مورد نیاز در سایر کشورهای‏ عضو به نحو مطلوب فراهم آورد.به این معنا که‏ شرایط مذکور به همان اندازه مطلوب و مناسب باشد که آن کشور برای شرکت‏ها و سایر اتباع خود یا اتباع‏ کشورهای دیگر عضو پیمان یا هرکشور دیگر در نظر گرفته است(هرکدام که مناسب‏تر باشد)که اصطلاحا «رفتار بسیار مطلوب»نامیده می‏شود.

دربارهء ترانزیت باید به این نکته اشاره شود که‏ سرمایه‏گذاری بلندمدت،رکن اصلی آن را تشکیل‏ می‏دهد و بنابراین وجود فضای مناسب برای‏ سرمایه‏گذاری در کشورهای عضو در سایهء مقرارت و می‏دهد و بنابراین وجود فضای مناسب برای‏ سرمایه‏گذاری در کشورهای عضو در سایهء مقرارت و قوانین توسعه‏یافته براساس منشور انرژی اروپا و پیمان منشور انرژی با ایجاد شبکه‏های مدرن ترانزیت‏ انرژی و استفاده از آنها می‏تواند به تحقق هدف‏ اعضای پیمان کمک کند.از جمله شرایط دیگری که‏ در مورد ترانزیت مقرر گردیده،این است که اعضای‏ پیمان لازم است:

1-تسهیلات لازم را برای ترانزیت انرژی براساس‏ اصل آزادی ترانزیت بدون تبعیض بدون در نظر گرفتن مبدا،مقصد با مالکیت مواد و فرآورده‏های انرژی فراهم آورند،

2-مانع در ایجاد ظرفیت‏های تازه به وجود نیاورند،

3-وقفه یا کاهشی در جریان مواد و فرآورده‏های‏ انرژی(جز آنچه در قرارداد مقرر گردیده)ایجاد نکنند،

4-نتیجهء سازش الزام‏آور را که ممکن است موجب‏ وضع تعرفهء ترانزیتی موقت گردد بپذیرند،

5-قوانین و مقرارت مناسبی در برخورد با اقدامات‏ یک‏جانبه و ضد رقابتی در بخش انرژی وضع‏ کرده و یا به اجرا درآورند.

حمایت و توسعهء سرمایه‏گذاران

شرایط و مقرراتی که در پیمان منشور انرژی‏ برای حمایت و توسعهء سرمایه‏گذاری پیش‏بینی شده‏ است،در مورد هرگونه سرمایه‏گذاری توسط اعضای‏ پیمان که در بخش انرژی شرکت دارند،جاری است. این فعالیت‏ها اعم از اکتشاف،استخراج،پالایش، تولید،حمل‏ونقل زمینی،انتقال،توزیع،تجارت، بازاریابی،و فروش مواد اولیه و فرآورده‏های انرژی و نیز خدمات مربوط به ساخت تجهیزات لازم، مدیریت،طراحی و فعالیت‏های مربوط به توسعهء بهینهء انرژی می‏باشد.

شرایط و مقرارت مذکور که اصول شناخته‏شدهء حقوقی در سرمایه‏گذاری است و در بیشتر قراردادهای دوجانبه نیز رعایت می‏شوند،عبارتند از:

1-ایفای تعهد،

2-پرداخت غرامت عادلانه به هنگام مصادره یا ملی‏ شدن،

3-پرداخت خسارت ناشی از جنگ و شورش‏های‏ داخلی و غیره،

4-پذیرش کارکنان کلیدی طرف‏های قرارداد از هر ملیتی که باشند و اعطای جواز کار موقت در کشور میزبان با در نظر گرفتن قوانین داخلی مربوط،

5-تضمین آزادی انتقال سرمایهء موضوع سرمایه‏گذاری‏ توسط سرمایه‏گذاران هریک از اعضا به سایر کشورهای عضو،و نیز انتقال سود سرمایه، پرداختهای قراردادی شامل پرداخت‏های مربوط به استهلاک اصل و بهرهء قراردادهای وام،حقوق‏ و پاداش و به طور کلی درآمدهای مصرف نشدهء کارکنان خارجی در رابطه با موضوع‏ سرمایه‏گذاری،درآمد ناشی از فروش یا تصفیهء تمام یا قسمتی از سرمایه‏گذاری،پرداخت‏های‏ ناشی از حل و فصل دعاوی و اختلاف، غرامت‏های مربوط به مصادره خسارات ناشی‏ از جنگ و غیره.

انتقال به ارز قابل تبدیل و به نرخ بازار روز باید بدون تأخیر انجام گیرد و البته حق کشور میزبان در حمایت از حقوق طلبکاران در مقابل سرمایه‏گذار و صاحبان وثیقه محفوظ بوده و احکام صادرهء قضایی‏ در ارتباط با حقوق مذکور رعایت خواهد شد.بدیهی‏ در صورت که تحت شرایط مادهء ( a ) (2)29 پیمان یا گات و اسناد مربوط به آن،حق محدودیت یا ممنوعیت صدور یا فروش برای صدور فرآورده‏ای که‏ سود عینی محسوب می‏شود داشته باشد،انتقال‏ سود عینی سرمایه را محدود می‏نماید،مشروط بر این‏که چنین حقی طبق قراردادی که به امضای کشور میزبان رسیده است،از وی سلب شده است.

در مواردی که پرداختی توسط یک کشور عضو به عنوان غرامت،خسارت یا ضمانت در سرمایه‏گذاری در کشور دیگر عضو(کشور میزبان) صورت می‏گیرد،کشور میزبان حقوق و ادعاهایی را که در این رابطه از طرف سرمایه‏گذار(مضمون له)به‏ ضامن یا متعهد(پرداخت‏کننده)به عنوان«حق طرف‏ ثالث»منتقل شده و نیز حق اعمال و اجرای این‏گونه‏ حقوق و ادعاها را که نیابتا به وی انتقال یافته است، رعایت نموده و خواهد پذیرفت.طرف خارجی‏ پرداخت‏کنندهء خسارت و غرامت در تمام موارد در رابطه با حقوق و ادعاهای مذکور از همان حقوقی‏ برخوردار خواهد بود که واگذارندهء حق(سرمایه‏گذار) به موجب مقرارت استحقاق آن را داشته و نیز مستحق دریافت همان وجوهی خواهد بود که‏ سرمایه‏گذار(مضمون له)براساس آن حقوق و ادعاهایی داشته است.

در خصوص سرمایه‏گذاری خارجی،مادهء 10 پیمان به طور کلی مقرر داشته است که هریک از کشورهای عضو باید شرایط مناسب و مطلوب و عادلانه را برای سرمایه‏گذاران سایر کشورهای عضو فراهم آورده و سرمایهء آنها را در حمایت و امنیت‏ کامل قرار دهند.ضمنا تأکید می‏کند که در این‏گونه‏ سرمایه‏گذاری‏ها،رفتار کشورهای عضو نباید نامطلوب‏تر از آنچه در حقوق بین الملل مقرر گردیده‏ است،باشد:به این معنا که در هیچ زمان و در هیچ‏ موردی نامطلوب‏تر از رفتاری که با سرمایه‏گذاران‏ داخلی یا خارجی دیگر می‏شود،نباشد.

با توجه به اهمیت سرمایه‏گذاری در بخش انرژی، پیمان،موافقت‏نامهء بین المللی جداگانه‏ای را حاوی‏ مقرارت و شرایط مفصل در این‏باره،پیش‏بینی کرده است.

حل و فصل دعاوی

پیمان منشور انرژی برای حل و فصل اختلافات‏ و دعاوی مربوط به فعالیت‏های اقتصادی اعضا و سرمایه‏گذاران آنها در بخش انرژی مقرارت مفصلی‏ وضع نموده و با در نظر گرفتن تکنیک‏های پیشرفتهء حقوقی،ضمانت اجرای آنها را حتی الامکان پیش‏بینی‏ کرده است.با توجه به اهمیت موضوع،به منظور اطمینان‏بخشیدن به طرف‏های قرارداد در رعایت‏ حقوق آنها و تضمین قانونی برای تجارت و سرمایه‏گذاری مطمئن از روشهای مناسب استفاده‏ شده و دقت بسیاری زیادی در تدوین آنها به عمل‏ آمده است.

علاوه بر اینکه در پیمان مزبور یک فصل کامل به‏ حل و فصل دعاوی اختصاص یافته و در بعضی مواد دیگر و در یک ضمیمه به تناسب موضوع به مسائل‏ مربوط به حل و فصل دعاوی نیز پرداخته است.

در فصل پنجم،دعاوی به دودسته تقسیم‏ شده‏اند:دعاوی بین کشور عضو و سرمایه‏گذار و دعاوی بین کشورهای عضو و در هرمورد جزییات‏ رسیدگی به دعاوی مطرح شده است.

حاکمیت دول عضو

در مادهء(1)18 پیمان،حاکمیت دول عضو و مالکیت آنها بر منابع انرژی مورد تأکید قرار گرفته و تصریح شده است که حاکمیت بر منابع کشورها براساس قوانین و اصول حقوق بین الملل اعمال‏ خواهد شد.در بند(2)همین ماده مقرر شده است‏ پیمان که هیچ‏گونه لطمه‏ای به قوانین و مقرارت‏ حاکم در کشورهای عضو بر نظام مالکیت است منابع‏ انرژی آنان وارد نخواهد ساخت،مگر آنکه تأثیری در اهداف مورد نظر آن در توسعهء دستیابی به منابع‏ انرژی داشته باشد.در جای دیگر،پیمان مقرر نموده‏ است که کشورهای عضو می‏توانند مناطق جغرافیایی‏ کشورشان را برای اکتشاف و توسعهء منابع انرژی و مقدار تولید آن،خود تعیین نمایند،مالیات و حق‏ امتیاز یا هرنوع پرداخت دیگری در مورد اکتشاف و بهره‏برداری دریافت کنند و هرگونه قوانین و مقرارت‏ لازم امنیتی و زیست‏محیطی را وضع نمایند. هم‏چنین می‏توانند از طریق مشارکت،در اکتشاف و بهره‏برداری نیز شرکت نمایند.

خلاصه و نقد بعضی از مقرارت پیمان

پیمان منشور انرژی در سال 1998 با امضای 49 کشور و جامعهء اروپا به اجرا درآمد و با بیانه‏ها و پروتکل‏های مربوط توسعه یافت.هدف اصلی‏ اعضای آن عبارت است از توسعهء همکاریهای‏ بلندمدت در بخش انرژی،براساس اقتصاد آزاد و در جهت حفظ حقوق و منافع متقابل.

به نظر می‏رسد که تحولات سیاسی اخیر به‏ خصوص پیدایش کشورهای جدید در بخش عمده‏ای از منابع و مخازن نفت و گاز در مسیر انتقال به‏ کشورهای مصرف‏کننده و نیز مشکلات ناشی از وضعیت جدید ترانزیت و عبور خطوط لوله از مرزهای بیشتر،به علت افزایش کشورهای ترانزیتی‏ بسته،عوامل اصلی در ایجاد چارچوب حقوقی فراگیر و الزامی تحت عنوان پیمان منشور انرژی بوده است. در تجارت انرژی،ضوابط گات 1994 و اسناد مربوط به آن مورد توجه تنظیم‏کنندگان این پیمان بوده است.

در عرصهء بین المللی در بخش انرژی،این پیمان از جامعیت ویژه‏ای برخوردار است.این پیمان،اولین‏ سند بین المللی است که حاوی مقرارت و ضوابط مربوط به تجارت،ترانزیت و سرمایه‏گذاری و به طور کلی‏ مقرارت لازم الاجرا در شبکه‏های انرژی بوده و روشهای‏ پیشرفتهء حقوقی برای حل و فصل دعاوی بین المللی‏ در این بخش،در آن پیش‏بینی گردیده است.با وجود این و با اینکه مواد و مقرارت پیمان از دقت و ظرافت‏های حقوقی بسیار برخوردار است،تحلیل و نقد بعضی از آنها به طور خلاصه و اشاره ضروری است.

1-همان‏گونه که قبلا اشاره شد،حاکمیت‏ کشورهای عضو در پیمان مزبور مورد تأکید قرار گرفته است،اما با توجه به نحوهء تنظیم مادهء 18، ابهامی در آن مشاهده می‏شود که ممکن است‏ تفسیرهای مختلفی را ایجاد نماید.بند(2)مادهء 18 چنین بیان می‏کند:«پیمان هیچ‏گونه لطمه‏ای بر قانین و مقرارت حاکم در کشورهای عضو بر نظام‏ مالکیت منابع انرژی وارد نخواهد نمود،مگر آنکه‏ تأثیری در اهداف مورد نظر پیمان در توسعهء دستیابی‏ به منابع انرژی داشته باشد».به طوری که ملاحظه‏ می‏شود،عبارت مذکور نوعی ابهام را نشان می‏دهد و به نظر می‏رسد تناقضی میان اهداف پیمان و حاکمیت کشورها به وجود می‏آورد.گویا این موضوع‏ مورد توجه تنظیم‏کنندگان متن پیمان نیز بوده و در بیانیهء کنفرانس ضمن اشاره به مادهء مزبور،چنین‏ اظهارنظر شده است که مادهء(2)18 نباید به نحوی‏ تفسیر شود که مانع از اجرای سایر مقرارت پیمان‏ گردد.این بیانیه نه تنها ابهام را برطرف نکرده،بلکه‏ صرفا بر اجرای مقرارت پیمان تأکید نموده است.

2-در روشهای ارائه شده برای حل و فصل‏ دعاوی،در مورد اختلاف فیمابین کشور عضو و سرمایه‏گذاری خارجی از کشور دیگر عضو:

اولا فقط برای ادعاهای سرمایه‏گذار علیه کشور میزبان وضع مقرارت شده و روش حل و فصل آنها تعیین‏ گردیده است،ما در صورت نقض تعهدات سرمایه‏گذار، دعوی کشور میزبان بلاتکلیف گذاشته شده است.

ثانیا،کشور عضو با امضای پیمان،ملزم به‏ تسلیم به داوری بین المللی شده،در حالی که الزام‏ سرمایه‏گذاری به داوری،منوط به موافقت کتبی او در زمان طرح دعوی گردیده است.

این نکته نیز مورد توجه بعضی کشورها قرار گرفته است و در نتیجه،در ضمیمهء ID عضویت‏ خود را مشروط به رد مادهء مربوط(مادهء 26) دانسته‏اند.